



عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَأَلِهِ

امام زمان

از نگاه امام خمینی



از غیبت صغری تا کنون که هزار و چند صد سال می‌گذرد و ممکن است صد هزار سال دیگر بگذرد، و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورند، در طول این مدت مدید، احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود؟ و هر که هر کاری خواست بکند؟ هرج و مرج است؟! قوانینی که پیغمبر اسلام ﷺ در راه بیان و تبلیغ و نشر و اجرای آن، بیست و سه سال زحمت طاقت فرسا کشید، فقط برای مدت محدودی بود؟

و. لزوم حکومت اسلامی در دوران غیبت کبری
اکنون که دوران غیبت امام ﷺ پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می‌آید. عقل هم به ما حکم می‌کند که تشکیلات لازم است تا اگر به ما هجوم آوردند، بتوانیم جلوگیری کنیم. اگر به نوامیس مسلمین تهاجم کردند، دفاع کنیم.^۱

۱. ولایت فقیه، امام خمینی ﷺ، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۷۳، ج هفتم، ص ۶۲.

آیا خدا، اجرای احکامش را محدود کرد به دویست سال؟ و پس از غیبت صغری، اسلام دیگر همه چیزش را رها کرده است؟

اعتقاد به چنین مطالبی یا اظهار آنها بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است. هیچ کس نمی‌تواند بگوید دیگر لازم نیست از حدود و ثغور و تمامیت ارضی وطن اسلامی دفاع کنیم یا امروز مالیات و جزیه و خراج و خمس و زکات نباید گرفته شود، قانون کیفری اسلام و دیات و قصاص باید تعطیل شود.^۱

اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنید؟ دیگر اسلام نمی‌خواهیم؟ اسلام فقط برای دویست سال بود؟ یا این که اسلام،

تکلیف را معین کرده است؛ ولی تکلیف حکومتی نداریم؟

معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود و ما با بی حالی، دست روی دست بگذاریم که هر کاری می‌خواهند بکنند؟ و ما اگر کارهای آنها را امضاء نکنیم، رد نمی‌کنیم. آیا باید اینطور باشد؟ یا این که حکومت لازم است و اگر خدا، شخص معینی را برای حکومت در دوره غیبت تعیین نکرده است؛ لکن آن اصلیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب علیه السلام موجود بود، برای بعد از غیبت هم قرار داده است.^۲

نگویید بگذار تا امام زمان علیه السلام بیاید. شما نماز را هیچ وقت می‌گذارید تا وقتی که امام زمان علیه السلام آمد، بخوانید؟ حفظ اسلام واجب تر از نماز است. منطق حاکم خمین را نداشته باشید که

۲. همان، صص ۶۲-۶۳.

۱. همان، ص ۳۰.

می گفت: «باید معاصی را رواج داد تا امام زمان علیه السلام بیاید. اگر معصیت رواج پیدا نکند، حضرت ظهور نمی کند!» این جا ننشینید فقط مباحثه کنید، بلکه در سایر احکام اسلام مطالعه کنید. حقایق را نشر دهید، جزوه بنویسید و منتشر کنید. البته، مؤثر خواهد بود. من تجربه کرده ام که تأثیر دارد.^۱

از همه شکننده تر، شعار گمراه کننده «حکومت قبل از ظهور امام زمان علیه السلام باطل است» و هزاران «ان قلت» دیگر، مشکلات بزرگ و جان فرسایی بود که نمی شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات، جلوی آنها را گرفت. تنها راه حل، مبارزه و ایشار و خون بود که خداوند، وسیله اش را آماده نمود. علما و روحانیت متعهد، سینه را برای مقابله با هر تیسر زهرآگینی که به طرف اسلام شلیک می شد، آماده نمودند و به مسلخ عشق

۱. همان، ص ۸۷.

آمدند.^۲

این نویسنده جاهل باز در کتابچه پوسیده، حرفهایی نسنجیده به دین و دین داران نسبت می دهد و از آن، نتیجه های شگفت آور می گیرد. می گوید: (دین امروز ما می گوید: هر دولتی که پیش از قیام قائم برپا شود، باطل است - «كُلُّ رَايَةٍ تَرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ علیه السلام فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۳ هر پرچمی که قبل از قیام قائم علیه السلام بلند شود، صاحبش طاغوت است که غیر خدا را می پرستد.» - می گوید: کار سلطان و همراهی با آن، عدیل کفر است - «مَا تَقُولُ فِي أَعْمَالِ السُّلْطَانِ فَقَالَ يَا سَلِيمَانُ الدُّخُولُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَالْعَمَلُ لَهُمْ وَالسَّعْيُ فِي حَوَائِجِهِمْ عَدِيلُ الْكُفْرِ وَالنَّظَرُ إِلَيْهِمْ

۲. صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، وزارت ارشاد، تهران، ۱۳۶۱ش، ج ۲۱، ص ۸۸

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۵۲، ص ۱۴۳.

عَلَى الْعَمَدِ مِنَ الْكِبَائِرِ الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا
النَّارُ؛ [سلیمان از معصوم علیه السلام] در مورد
اعمال سلطان پرسید. امام فرمود:
داخل شدن در کارهای حُکام و کمک
آنها و تلاش در رفع حوائجشان،
معادل کفر است و نگاه کردن به آنها
به صورت عمدی از گناهان کبیره‌ای
است که انسان بخاطر آنها مستحق
آتش می‌شود. «می‌گوید: قتال به
همراهی غیر امام مانند خوردن
گوشت خوک و خون است؛ بلکه در
حدیث صحیح، آماده بودن برای
جنگ با دشمن را هم نهی کرده.

این نویسنده، مطالب را درهم و
برهم کرده و روی هم ریخته،
بی‌خردانه به اعتراض برخاسته. این
احادیث هیچ مربوط به تشکیل
حکومت خدایی عادلانه که هر
خردمند لازم می‌داند، نیست؛ بلکه در

روایت اول، دو احتمال است. یکی
آنکه راجع به خبرهای ظهور
ولی عصر علیه السلام باشد و مربوط به علامات
ظهور باشد و بخواهد بگوید علمهایی
که به عنوان امامت قبل از قیام قائم
برپا می‌شود، باطل است. چنانچه در
ضمن همین روایت، علامتهای ظهور
هم ذکر شده است. و احتمال دیگر
آنکه از قبیل پیش‌گویی باشد از این
حکومتهایی که در جهان تشکیل
می‌شود تا زمان ظهور که هیچ کدام
به وظیفه خود عمل نمی‌کنند و همین
طور هم تاکنون بوده. شما چه
حکومتی در جهان بعد از حکومت
علی بن ابی طالب علیه السلام سراغ دارید که
حکومت عادلانه باشد و سلطانش،
طاغی و برخلاف حق نباشد؟

اکنون اگر کسی تکذیب کند از
وضع یک حکومتی که این حکومتها
جائزانه است و کسی هم تا زمان
دولت حق نمی‌تواند آنها را اصلاح

۱. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل
البیت، قم، ۱۴۰۹ هـ. ق، ج ۱۷، ص ۱۹۱.

کند، چه ربط دارد به این که حکومت عادلانه نباید تشکیل داد؟ بلکه اگر کسی جزئی اطلاع از اخبار ما داشته باشد، می بیند که همیشه امامان شیعه با آنکه حکومت‌های زمان خود را حکومت ظالمانه می دانستند و با آنها آن طورها که می دانید سلوک می کردند، در راهنمایی برای حفظ کشور اسلامی و در کمک‌های فکری و عملی، کوتاهی نمی کردند و در جنگ‌های اسلامی در زمان خلیفه جور باز شیعیان علی علیه السلام پیش قدم بودند. جنگ‌های مهم و فتح‌های شایانی که نصیب لشکر اسلام شده، مطلعین می گویند و تاریخ نشان می دهد که، یا به دست شیعیان علی علیه السلام یا به کمک‌های شایان تقدیر آنها بوده. شما همه می دانید که سلطنت بنی امیه در اسلام، بدترین و ظالمانه‌ترین سلطنتها بوده و دشمنی و رفتارشان را با آل پیغمبر علیهم السلام و فرزندان علی بن ابی

طالب علیه السلام همه می دانید. و در میان همه بنی هاشم، بدسلوکی و ظلم‌شان نسبت به علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام بیش تر و بالاتر بود. به همین سلطنت وحشیانه جائرانه ببینید علی بن الحسین علیه السلام چه قدر اظهار علاقه می کند ...

اما روایت دوم که می گفت: داخل شدن در محمل سلطان و معاونت کردن از او و رفع حاجت او را کردن، هم دوش کفر است. این ماجراجوی بی خرد چنان چه تاکنون دیدید و عادت دارد، در نقل روایات خیانت می کند و گرنه مطلب، روشن تر از آن است که در آن، خود را نیازمند به جواب بدانیم. این روایت و امثال آن که روایات بسیاری است، جلوگیری از داخل شدن در تشکیلات دولت است برای اعانت به ظالم و کمک کاری کردن بر ستم کاریها. این در تمام قوانین عالم ممنوع است ... ما

تمجید می کردند؛ مثل: علی بن یقطین و محمد بن اسماعیل بن بزیع و عبدالله نجاشی؛ والی اهواز و دیگران و همین طور از بزرگان علمای ما در دربار سلاطین وارد بودند، چنان چه پیش از این، اسم آنها را بردیم.

و اما روایت سوم که می گوید: قتال به همراهی غیر امام، مانند خوردن گوشت خوک و خون است. این جاهل بی خرد، نسنجیده و کتابهای فقها را ندیده، این بیهوده را می گوید. در اسلام، دوگونه جنگ است که یکی را جهاد می گویند و آن کشورگیری است با شرطهایی که برای آن شده است و دیگری، جنگ برای استقلال کشور و دفع اجانب از آن است.

جهاد که عبارت از کشورگیری و فتح ممالک است، پس از آن است که، دولت اسلامی با وجود امام یا به امر امام تشکیل می شود و در این

می گویم در همان تشکیلات خانمان سوز دیکتاتوری هم اگر کسی وارد شود برای جلوگیری از فسادها و برای اصلاح حال کشور و توده، خوب است؛ بلکه گاهی هم واجب می شود. خوب است آقایان رجوع کنند به کتب فقها در باب ولایت از قِبَل ظالم، ببینند آنها چه می گویند ...

این بی خردان ماجراجو فقط برای آنکه دولت و ملت را با دین داری و دین داران و خصوصاً با ملاها بدبین کنند، در میان کتابها می گردند، یک حدیث پیدا می کنند. بی آنکه بگویند این حدیث در چه موضوعی وارد شده است، به چشم آنها می کشند. غافل از آنکه خوانندگان این اوراق، بسیاری شان دست کم با تاریخ اسلام سر و کار دارند. آنها می دانند از اصحاب خاص ائمه و دوستان خصوصی این خاندان، در شغل دولتی داخل بودند و ائمه دین آنها را تایید و

و اما قسم دوم از جنگ اسلامی که به نام دفاع اسم برده شده و آن، جنگیدن برای حفظ استقلال کشور و دفاع از اجانب است، به هیچ وجه مشروط به وجود امام یا نایب امام نیست و کسی از مجتهدین نگفته که دفاع را باید با امام یا جانشین آن کرد، بلکه بر تمام افراد توده واجب است به حکم اسلام، از کشور اسلامی محافظت کنند و استقلال آن را پابرجا نمایند.^۱

ز. انقلاب اسلامی، مقدمه نهضت جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام
انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم داری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش

صورت، اسلام بر تمام مردان که به حد بلوغ رسیده باشند و افتاده و عاجز نباشند و مملوک که از افراد اجانب است، نباشند، واجب کرده است که برای کشورگیری حاضر شوند و قانون اسلام را در سرتاسر ممالک جهان منتشر کنند و باید همه جهانیان بدانند که کشورگیری اسلام با کشورگیری فرمان فرمایان جهان، فرقا دارد ...

و معلوم شد که جهاد اسلامی، کشورگیری مانند سایر کشورگیریها نیست. البته باید تشکیل حکومت اسلامی در تحت نظر امام عادل یا به امر او بشود تا به این امر اقدام شود وگرنه، مانند کشورگیری دیگر جهانیان شود که آن از حکم خرد، بیرون و از بیدادگریها و ستم کاریها به شمار می رود و اسلام و تمدن و عدالت اسلامی از آن دور و بری است.

۱. کشف الاسرار، امام خمینی علیه السلام، بی جا، بی نا،

بی تا، صص ۲۲۵ - ۲۳۱.

شاء الله به عدل و داد بکشد و از این جورهایی که بر مستضعفان می گذرد، جلوگیری کند.^۳

من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم، و متصل بشود این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی و آن نهضت ولی عصر علیه السلام است.^۴

ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستم گران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور انقلاب مان که در حقیقت، صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان خواران خاتمه می دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی، مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می کنیم.^۵

اگر این جمهوری اسلامی از بین

را در عصر حاضر قرار دهد.^۱

ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امید بخش آتیه روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیک تر می نماید. گویی جهان مهیا می شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه، و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان.^۲

این کشوری که کشور ائمه هدی علیهم السلام و کشور صاحب الزمان علیه السلام است، باید کشوری باشد که تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه بدهد، قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را ان

۳. همان، ج ۱۴، ص ۱۹۵.

۴. همان، ج ۱۲، ص ۱۷۵.

۵. همان، ج ۲۰، ص ۱۳۲.

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۰۸.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۱۱.

برود، اسلام آن چنان منزوی خواهد شد که تا آخر ابد، مگر در زمان حضور حضرت، نتواند سرش را بلند کند.^۱

ح. مهیا شدن برای ظهور

ما باید در این طور روزها و در این طور ایام الله توجه کنیم که خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت. من نمی‌توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگ‌تر از این است. نمی‌توانم بگویم که شخص اول است، برای اینکه دومی در کار نیست. ایشان را نمی‌توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم الا همین که مهدی موعود است. آنی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر و ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای اینکه اگر چنان چه موفق شدیم ان شاء الله به زیارت ایشان، طوری باشد که روسفید باشیم پیش ایشان. تمام دستگاه‌هایی که الآن به کار گرفته

شده‌اند در کشور ما، امیدوارم که در سایر کشورها هم توسعه پیدا بکند. باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی علیه السلام.^۲

ط. اصلاحات مصلح موعود

مکتب ولی امر را به آن توجه کنید که، برای تعلیم و تربیت این انسان است که از حد حیوانیت برساندش به حد انسانیت و رشد انسانی پیدا کند و تربیتهای انسانی پیدا کند و تعلیمات، تعلیمات صحیح باشد.^۳

دنیا علیل است. سران همه کشورها، الا انگشت شمار، نمی‌توانم بگویم این یکی دوتا، سه تا، سران همه آنها، مردم را مسموم کرده‌اند و افکار ملت‌های خودشان را مسموم کرده‌اند و علیل کرده‌اند ملت‌های خودشان را. آن قدر تحقیر کرده‌اند از

۲. همان، ج ۱۲، صص ۲۰۸-۲۰۹.

۳. همان، ج ۸، ص ۹۴.

۱. همان، ج ۱۶، ص ۹۳.

ی. جامعه پس از ظهور
الف. زیباییها

به ما این وعده را داده‌اند که، در یک وقتی که امام زمان علیه السلام ظهور کند، این اختلافات از بین می‌رود و همه برادروار با هم هستند. دیگر زورمند و زورکشی در کار نمی‌ماند.^۳

و لهذا می‌بینید فساد در آن وقت بود و حالا هم هست و تا آخر هم خواهد بود. بله، در زمان حضرت صاحب علیه السلام حکومت، واحد می‌شود. قدرت حکومت ... عدالت، یک عدالت اجتماعی در همه عالم می‌آید، اما نه اینکه انسانها بشوند یک انسان دیگر. انسانها همانها هستند که یک دسته‌شان خوبند، یک دسته‌شان بد. منتها آنهایی که بد هستند، دیگر نمی‌توانند کارهای خلاف بکنند.^۴

آنچه غایت تعلیمات اسلامی است، هم زیستی مسالمت‌آمیز در سطح جهان است، که امید است با

این ملتها، آن قدر اینها را در فشار اقتصادی قرار داده‌اند و آن قدر این بیچاره‌ها زحمت کشیدند و زحمت‌هایشان را دیگران به غارت بردند، که علیل شدند. افکارشان از بین رفته است. یکی می‌خواهد که بیاید احیاء کند این افکار را. و من امیدوارم که ان شاء الله حضرت بقیة الله علیه السلام زودتر تشریف بیاورند و این طیب واقعی بشر، با آن دم مسیحایی خود، اصلاح کنند اینها را.^۱

آن کاری که لشکر امام زمان علیه السلام باید بکند، با آن کاری که لشکر طاغوت می‌کرد، فرق دارد. همان طوری که خود امام زمان علیه السلام با طاغوت فرق داشت. آن، حکومت جور بود و این، حکومت عدل. آن، حکومت طاغوت بود و این، حکومت خدا.^۲

۳. همان، ج ۱۱، ص ۳۱.

۴. همان، ج ۲۰، ص ۷۹.

۱. همان، ج ۱۷، ص ۴۹.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۱۳۵.

که بعضی فقههای عصر با ایشان مخالفت می‌کنند.^۳

شما بدانید که اگر امام زمان علیه السلام حالا بیاید، باز این قلمها مخالفند با او.^۴

شمس کامل

صف بیارایید رندان! رهبر دل آمده
جان برای دیدنش، منزل به منزل آمده
بلبل از شوق لقایش، پرزنان بر شاخ گل
گل ز هجر روی ماهش، پای در گل آمده
طور سینا را بگو: ایام «صعق» آخر رسید
موسی حق در پی فرعون باطل آمده
بانگ زن بر جمع خفاشان پست کور دل
از ورای کوهساران، شمس کامل آمده
باز گو اهریمنان را فصل عشرت بار بست
زندگی بر کام تان، زهر هلاهل آمده
دلبر مشکل گشا از بام چرخ چارمین
با دم عیسی برای حل مشکل آمده
غم مخور، ای غرق دریای مصیبت غم مخور
در نجات، نوح کشتی بان به ساحل آمده^۵

۳. صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام
امام خمینی علیه السلام، تهران، ۱۳۷۸ ش، ج اول، ص ۱۹،
ص ۳۰۳.

۴. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۷.

۵. دیوان امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام
خمینی علیه السلام، ص ۱۷۸.

تعجیل در ظهور مهدی آخرالزمان -
ارواحنا فداه - حاصل شود. و
رسیدن انسانها به کمال و سعادت
اخروی است که خداوند نصیب
همگان فرماید.^۱

ب. زشتیها

در حکومت عدل بقیه الله علیه السلام هم
عدالت جاری می‌شود، لکن جبهای
نفسانی در بسیاری از قشرها باقی
است و همان جبهای نفسانی است که
بعضی روایات هست که حضرت
مهدی علیه السلام را تکفیر می‌کنند.^۲

ما نباید توقع داشته باشیم که،
صبح کنیم در حالی که همه چیز سر
جای خودش باشد. در زمان حضرت
صاحب علیه السلام هم که ایشان با تمام
قدرت می‌خواهند عدل را اجرا
نمایند، با این ترتیب نمی‌شود که هیچ
کس حتی خلاف پنهانی هم نکند. و
بالاخره همانها هم که مخالف هستند،
حضرت صاحب علیه السلام را شهید می‌کنند
و در روایات قریب به این معنا دارد

۱. همان، ج ۱۸، ص ۹۳.

۲. همان، ج ۱۶، ص ۱۰۵.